

فصلنامه مطالعات سیاسی

سال نهم، شماره ۳۳، پاییز ۱۳۹۵

صفحات: ۱۹۴-۱۸۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۴/۵؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۷/۱۰

ارتباط خاستگاه اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی در شهروندان تهرانی؛ مطالعه موردی انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۲ ایران

سوناز نصیری* / مسعود فتحی پور** / فراز قلعه‌دار***

چکیده

این مقاله بخشی از تحقیقی است که در تابستان سال ۱۳۹۲ انجام شده است. قلمرو مکانی پژوهش شهر تهران را با جمعیت تقریبی ۸,۵ میلیون نفر در بر می‌گیرد. روش انجام این پژوهش نیز توزیع ۹۰۰ پرسشنامه میان شهروندان تهرانی و تحلیل بر اساس نرم‌افزار SPSS برای توضیح داده‌های پژوهش بوده است. افراد جامعه‌ی آماری این پژوهش پاسخ‌دهندگان از سه منطقه‌ی شمال، مرکز و جنوب تهران به برای هر منطقه به تعداد ۳۰۰ نفر بوده است. هدف این پژوهش نیز بررسی تاثیر خاستگاه اجتماعی شامل شاخص‌هایی چون، شغل، محل زندگی، میزان درآمد و اشتغال بر روی مشارکت سیاسی در انتخابات ریاست جمهوری ایران بوده است که در ۲۴ خرداد سال ۱۳۹۲ برگزار شده بود. نتایج حاصل از تحقیق حاضر نشان می‌دهد که میان خاستگاه اجتماعی شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی با میزان مشارکت آن‌ها رابطه‌ی عکس وجود دارد. به بیان دیگر خاستگاه اجتماعی بالا در این پژوهش به میزان مشارکت سیاسی پائین و خاستگاه اجتماعی پائین به میزان مشارکت سیاسی بالا در انتخابات انجامیده است که این مساله برعکس نظریات متداول در پیوند با ارتباط خاستگاه اجتماعی و مشارکت سیاسی است.

کلیدواژه‌ها

فرهنگ سیاسی، اقتدارگرایی، فردیت.

* عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، زنجان، ایران

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات آمریکای شمالی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

*** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

fathipour65@ut.ac.ir

farazghalehdar@yahoo.com

مقدمه

سابقه‌ی چالش و تکاپو برای یافتن بهترین شکل حکمرانی یا بهترین نظام سیاسی از روزگار باستان در اندیشه فیلسوفان سیاسی راهگشای مطالعاتی بوده است که بخصوص در دو قرن اخیر پس از انقلاب کبیر فرانسه در دنیای غرب و جهان صنعتی به مطالعه دموکراسی اختصاص یافته است. امروز دیگر هیچ حکومتی، حتی در نظام‌های استبدادی تلاشی برای نفی مطلوبیت نظام دموکراسی ندارد و همه این نوع حکومت را به‌عنوان شیوه مطلوب حکومتداری پذیرفته‌اند. با این وجود تفاوت‌های فاحشی در تعریف دموکراسی و شیوه اعمال آن در بین حکومت‌ها دیده می‌شود که گاهی تا مرز تضاد کامل پیش می‌رود و همه کشورها سعی دارند که شیوه حکومت‌داری خود را به عنوان بهترین روش اجرای دموکراسی تبلیغ کنند. از این رو مطالعات مربوط به دموکراسی تخصصی‌تر شده و اندیشمندان سیاسی بخصوص در غرب با شاخص‌بندی کردن و در نظر گرفتن معیارهایی سعی کرده‌اند که نمایی نسبتاً واضح از این مقوله فراهم بیاورند. البته تلاش برای شناخت و نظم‌دهی به معیارها و شاخصه‌های این مهم تنها به زادگاه این تفکر در غرب منحصر نمانده است ولیکن بیشترین مطالعات نظری و اجرایی کردن این تحقیقات را در کشورهای اروپایی می‌بینیم.

تلاش برای رسیدن به دموکراسی و حکومت قانون در شرق نیز اگرچه پس از اروپا شکل گرفته است اما با شور و شوقی دو چندان توسط نخبگان سیاسی دنبال شده است؛ برای مثال، نمونه برجسته تلاش برای رسیدن به یک نظام سیاسی مطلوب در شرق، کشور ایران است که طی نزدیک به ۷۰ سال دو انقلاب بزرگ را تجربه کرده است و در تمام این سال‌ها حضور و تأثیر مردم در عرصه سیاسی به شدت حس شده است. اعتراضات سیاسی، نهضت‌های انقلابی و قیام‌هایی که شکل گرفته است همگی از تمایل بی‌حدّ مردم برای مشارکت در عرصه سیاسی برای تحقق دموکراسی حکایت دارند. با این وجود به نظر می‌رسد که در رسیدن به این رویای دیرین در ایران موفقیت اندکی حاصل شده است.

مشارکت یکی از اصلی‌ترین مولفه‌های دموکراسی است. به همین دلیل تمام حکومت‌ها در تلاش بوده و هستند که حقانیت خود را با توسل به آمارها و ارقامی که از مشارکت مردم در انتخابات بدست آورده‌اند، توجیه و تفسیر کنند. اگرچه این مساله به طور کلی دارای محتوایی کمی بوده است و بر کیفیت مشارکت سیاسی مردم و نقش آگاهی و انتخاب درست و مطلوب و

ارتباط خاستگاه اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی در ...

کارایی و عملکرد مثبت حکومت‌ها کمتر تمرکز شده است و حکومت‌ها اغلب از نقد کیفی و محتوایی در این زمینه گریزان بوده‌اند.

جامعه ایران نیز با وجود تلاش‌های فراوان و هزینه‌های زیادی که در این سال‌ها تحمل کرده است تنها توانسته است به لحاظ کمی مشارکت سیاسی توده‌ها را جذب کند. جامعه ایران که به‌خصوص پس از انقلاب اسلامی که هر ساله به‌طور میانگین شاهد یک انتخابات بوده است و مشارکت کمی نسبتاً بالایی را نیز ثبت کرده است، عملاً قدرت را به خوبی به اشتراک نگذاشته است. به همین علت از یک سو همواره شاهد اعتراضات و نارضایتی بخشی از مردمی هستیم که اتفاقاً در انتخابات حضور بیشتری داشته و به زعم خودشان در روند سیاسی جامعه مشارکت داشته‌اند و از طرف دیگر به نظر می‌رسد گردش نخبگان و مشارکت فعال و آگاهانه مردم تماماً به ورطه فراموشی سپرده شده است.

همانطور که مشارکت یکی از شاخص‌ها و مولفه‌های اصلی دموکراسی مطلوب است، جایگاه اجتماعی نیز یک عامل و معیار مهم در بررسی مشارکت سیاسی محسوب می‌شود. در اغلب دموکراسی‌های موفق جهان، رابطه‌ی مستقیم و مثبتی میان جایگاه اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی دیده می‌شود. یعنی به همان اندازه که جایگاه اجتماعی افراد جامعه در هرم طبقاتی به سمت بالا سیر می‌کند میزان فعالیت و مشارکت سیاسی آنان نیز مثبت بوده و به سمت بالا در صعود است. اما بر اساس فرضیه این پژوهش این مساله در مورد ایران کاملاً برعکس است و ما شاهد آن هستیم که طبقات اجتماعی بالا مشارکت معنادار و به صورت واضح کمتری را نسبت به طبقات فقیر اجتماعی ثبت کرده‌اند.

مساله دیگر رابطه‌ی طبقه متوسط و دموکراسی و مشارکت سیاسی فعال است. در اغلب دموکراسی‌های موفق جهان رابطه‌ی مستقیمی میان رشد و حجم طبقه متوسط و مشارکت سیاسی وجود دارد که این مساله نیز در مورد ایران کاملاً برعکس بوده است. یعنی نسبت مشارکت سیاسی طبقه متوسط و کسانی که تدریجاً به این طبقه صعود می‌کنند، رابطه‌ی معکوسی با جوامع دیگر طی می‌کند. این کیفیت مشارکت سیاسی در جامعه ایران سبب ساز مشکلات فراوانی می‌شود که گریبان جامعه ایران را گرفته و موجبات عقب ماندگی در سیستم سیاسی و شکاف هر چه بیشتر میان ملت و دولت را فراهم می‌آورد که این مساله نیز به نوبه خود مقدمه‌ای برای عقب ماندگی بیشتر می‌شود.

با توجه به فقدان مطالعات پیوسته و حتی تلاش برای شناخت کم و کیف فرایند مشارکت سیاسی مردم به عنوان اصل پایه دموکراسی در کشور، به نظر می‌رسد بررسی و مطالعه فرایند مشارکت سیاسی شهر تهران که به عنوان تاثیرگذارترین شهر ایران می‌تواند اطلاعات مفیدی را به جامعه علمی و دستگاه سیاسی کشور ارائه کند، مقدمه جدی و مفیدی در این زمینه محسوب می‌شود. البته، با توجه به گستردگی مباحث مربوط به دموکراسی در این پژوهش تنها به یکی از ابعاد و مولفه‌های تاثیرگذار در مشارکت سیاسی یعنی جایگاه اجتماعی پرداخته خواهد شد. بر این اساس در این پژوهش رابطه‌ی جایگاه اجتماعی را با مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی مورد مطالعه قرار خواهیم داد تا مقدمه‌ای برای مطالعات بعدی در زمینه مشارکت و دموکراسی فراهم آید.

۱. روش تحقیق

۱-۱. ضرورت و اهداف پژوهش

مشارکت سیاسی بر اساس نظریه‌های مختلف دارای خاستگاه انگیزشی متفاوتی است. غالب نظریه‌های رایج بر تأثیر متغیرهای اجتماعی - طبقاتی مثل محل سکونت، شغل، سطح درآمد و تحصیلات تأکید دارند.

در پژوهش‌هایی که اخیراً درباره رفتار سیاسی شهروندان تهرانی یا شهروندان دیگر شهرهای ایران صورت گرفته است، اغلب بر انگیزه‌های ایدئولوژیک در یک انتخابات خاص تمرکز شده است و چندان نگاه دقیق و بررسی علمی درباره تاثیر خاستگاه اجتماعی در مشارکت سیاسی آنان وجود نداشته است. با توجه به اینکه در سال‌های اخیر در رفتار سیاسی شهروندان تهرانی تفاوت‌های زیادی به چشم می‌خورد، لذا پرسشی که مطرح می‌شود این است که، نقش خاستگاه اجتماعی در این فرایند چگونه ارزیابی می‌شود؟ آیا تفاوت قابل توجهی بین جنوب‌شهری‌ها و شمال‌شهری‌های تهران از جهت مواضع سیاسی و میزان مشارکت وجود دارد؟ از این رو تلاش این تحقیق بر این مهم بنیان نهاده شده است که نقش این عوامل را در مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی بررسی کند.

با مطالعه روش‌های مختلف تحقیق، روش توصیفی - همبستگی با اهداف و سئوالات تحقیق متناسب یافته شد و دقیقاً روش تحقیق بر اساس مراحل آن تنظیم گردیده است. در واقع، این تحقیق، پژوهشی توصیفی - همبستگی از شاخه میدانی است و از لحاظ زمانی یک تحقیق

ارتباط خاستگاه اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی در ...

مقطعی به حساب می‌آید. توصیفی است چرا که شامل مجموعه روش‌هایی است که هدف آن‌ها توصیف کردن شرایط یا پدیده‌های مورد بررسی است؛ همچنین اجرای تحقیق توصیفی می‌تواند برای شناخت بیشتر شرایط موجود یا یاری دادن به فراگرد تصمیم‌گیری باشد (سرمد و دیگران، ۱۳۸۱: ۸۲).

۲-۱. روش و ابزار پژوهش

روش این تحقیق، روش پیمایشی است که پس از تدوین چارچوب نظری و استخراج پرسش‌های نیمه باز و ساخت یافته بدست می‌آید. پرسش‌نامه‌ها بر اساس نمونه آماری مناسب تهیه شده و در مناطق مورد نظر تکمیل شده است. پس از تکمیل پرسش‌نامه و استخراج داده‌ها به تجزیه و تحلیل آن‌ها و آزمون فرضیه پرداخته شده است. برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده شده است.

برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده ابتدا از آمار توصیفی استفاده شد. در آمار تحلیلی این تحقیق به منظور بررسی روابط میان خاستگاه اجتماعی و اثرات آن بر روی مشارکت سیاسی هم به صورت جزئی و هم بطور کلی، از آزمون‌های رگرسیون استفاده شد. همچنین، برای انجام این تحلیل‌ها نرم‌افزار آماری SPSS استفاده گردید.

در این تحقیق به بررسی تاثیر جایگاه اجتماعی بر مشارکت سیاسی پرداخته شده است. بنابراین، از نوع همبستگی است. این تحقیق همچنین پیمایشی است زیرا در روش پیمایشی، گردآوری داده‌ها درباره یک یا چند صفت از طریق نمونه‌گیری از جامعه انجام می‌شود (سرمد و دیگران، ۱۳۸۱: ۸۳). در این تحقیق همچنین، اطلاعات با استفاده از جمع‌آوری داده‌ها صورت گرفته است و از نوع پیمایشی است.

ابزار اندازه‌گیری تحقیق باید قادر باشد اطلاعات و داده‌های لازم جهت تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری‌های نهایی را در اختیار محقق بگذارد و بدین منظور باید از روایی و پایایی برخوردار باشد.

۳-۱. جامعه آماری و جامعه نمونه

۳-۱-۱. جامعه آماری: جامعه آماری در این تحقیق عبارت است از ۹۰۰ نفر از شهروندان تهرانی که پرسش‌نامه این پژوهش در میان آن‌ها توزیع شد.

فصلنامه مطالعات سیاسی؛ سال نهم، شماره ۳۳، پاییز ۱۳۹۵

۱-۳-۲. روش نمونه‌گیری و جامعه نمونه: روش نمونه‌گیری مورد استفاده، نمونه‌گیری تصادفی ساده است که هر عضوی در جامعه برای انتخاب شدن به منزله یک آزمودنی از شانس مساوی و معین برخوردار است و هنگامی که بدین گونه اعضا را از جامعه استخراج می‌کنیم این احتمال به میزان زیادی وجود دارد که الگوهای توزیع ویژگی‌های مورد علاقه در جامعه در آزمودنی‌هایی که برای نمونه خود برگزیده ایم موجود باشد. این طرح نمونه‌گیری از حداقل تورش برخوردار است و دارای بیشترین قدرت تعمیم‌پذیری است (دانایی‌فرد، الوانی و آذر، ۱۳۸۳:۳۹۸).

در این تحقیق نیز از بین شهروندان تهرانی به شیوه تصادفی ساده نمونه‌گیری به عمل آمد.

۴-۱. روش‌های تجزیه و تحلیل اطلاعات

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها به طور عمده از روش‌های توصیف و تحلیل آماری به ویژه روش تحلیل رگرسیون خطی و ضریب همبستگی استفاده شد و با توجه به اینکه آزمون فرضیه‌ها عمدتاً مستلزم تحلیل رگرسیون و ضریب همبستگی است و متغیرهای مورد بررسی کیفی هستند برای آزمون فرضیه‌ها بطور عمده از روش ضریب همبستگی اسپیرمن (رتبه‌ای) استفاده شد. همچنین برای بررسی نتایج جانبی پژوهش علاوه بر تحلیل رگرسیون از ضریب همبستگی اسپیرمن (رتبه‌ای) استفاده شد.

۵-۱. متغیرهای تحقیق و مفاهیم عملیاتی آن‌ها

۱-۵-۱. متغیر مستقل: خاستگاه اجتماعی شهروندان تهرانی

۱-۵-۲. متغیر وابسته: مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی

جدول (۱): متغیرهای پژوهش

متغیرها	شاخص‌ها	سوالات پرسش‌نامه
جایگاه اجتماعی	۱- شغل	۳-۱
	۲- سطح تحصیلات	۴
	۳- محل سکونت	۷-۵
	۴- میزان درآمد	۱۰-۸

ارتباط خاستگاه اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی در ...

۲۱-۲۰ و ۱۸-۱۵ و ۱۱-۱۳	۱- رأی دهی	مشارکت سیاسی
۲۱-۲۰	۲- تماس با فعالان اجتماعی	
۲۱-۲۰ و ۱۷ و ۱۳	۳- عضویت حزبی	
۲۱-۲۰ و ۱۷	۴- تماس با صاحب‌منصبان	
۲۱-۲۰	۵- پیام‌دهندگان	

۶-۱. اعتبار و روایی تحقیق

۶-۱-۱. روایی ابزار اندازه‌گیری: جهت تعیین اعتبار و روایی پرسش‌نامه در این تحقیق از روش اعتبار محتوا استفاده شده است. برای تعیین روایی با مطالعه منابع مربوط طرح اولیه پرسش‌نامه تهیه گردید و توسط اساتید محترم ناظر بر این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت که در نتیجه مواردی جهت اصلاح پیشنهاد گردید و پس از اعمال اصلاحات موردنظر، پرسشنامه نهایی تدوین گردید.

۶-۱-۱. پایایی ابزار اندازه‌گیری: در این تحقیق برای تعیین پایایی پرسشنامه با استفاده از نرم افزار spss ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه محاسبه خواهد شد. رابطه آلفای کرونباخ عبارت است از

$$\alpha = \frac{n}{n-1} \left(1 - \frac{\sum Si^2}{st^2} \right)$$

α : ضریب آلفای کرونباخ

n: تعداد سؤال‌های پرسشنامه

Si: واریانس سؤال i

St: واریانس کل پرسشنامه

۷-۱. فرضیه‌های پژوهش

۷-۱-۱. فرضیه اصلی پژوهش در پاسخ به سوال اصلی

- خاستگاه اجتماعی شهروندان تهرانی در مشارکت سیاسی آن‌ها تاثیر دارد و میان جایگاه اجتماعی شهروندان تهرانی و مشارکت سیاسی آنان رابطه‌ی عکس وجود دارد.

۷-۱-۲. فرضیه‌های فرعی پژوهش

- متغیر تحصیلات بر مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی تاثیر دارد.

فصلنامه مطالعات سیاسی؛ سال نهم، شماره ۳۳، پاییز ۱۳۹۵

- متغیر سکونت شهروندان تهرانی بر مشارکت سیاسی آن ها تاثیر دارد.
- متغیر وضعیت اقتصادی خانواده شهروندان تهرانی بر مشارکت سیاسی آنان تاثیر دارد.
- متغیر درآمد شهروندان تهرانی بر مشارکت سیاسی آنان تاثیر دارد.

۲. بررسی یافته‌های تحقیق

۲-۱-۲. توصیف خصوصیات پاسخگویان و ...

۲-۱-۱. سطح تحصیلات پاسخگویان:

جدول شماره (۲) توزیع فراوانی، درصد و درصد تراکمی سطح تحصیلات شهروندان نمونه آماری را نشان می‌دهد. بیشترین درصد سطح تحصیلات به ترتیب مربوط به سطح تحصیلات کارشناسی و دیپلم است که به ترتیب ۳۵,۸ و ۳۱,۲ درصد را به خود اختصاص داده اند و تنها ۱/۱ درصد از سطح تحصیلات نمونه آماری مقطع دکتری را شامل می‌شود.

جدول (۲): فراوانی، درصد و درصد تراکمی سطح تحصیلات پاسخگویان

سطح تحصیلات	فراوانی Frequency	درصد Percent	درصد تراکمی Cumulative Percent
ابتدایی	۱۹	۲,۱	۲,۱
راهنمایی	۱۲۰	۱۳,۳	۱۵,۴
دیپلم	۲۸۱	۳۱,۲	۴۶,۷
کارشناسی	۳۲۲	۳۵,۸	۸۲,۴
کارشناسی ارشد	۱۰۷	۱۱,۹	۹۴,۳
دکتری	۴۵	۵,۰	۹۹,۳
حوزوی	۶	.۷	۱۰۰,۰
جمع کل	۹۰۰	۱۰۰,۰	

۲-۱-۲. وضعیت اشتغال

نمودار و جدول (۳) توزیع فراوانی، درصد و درصد تراکمی وضعیت شهروندان تهرانی نمونه آماری را نشان می‌دهد. بیشترین درصد سنی به ترتیب مربوط به وضعیت شاغل و دانشجو بوده است که به ترتیب ۵۶,۳ و ۱۸,۰ درصد را به خود اختصاص داده‌اند و تنها ۷,۱ درصد از وضعیت اشتغال به بخش محصل نمونه آماری مربوط می‌شود.

ارتباط خاستگاه اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی در ...

جدول (۳): توزیع درصد وضعیت اشتغال شهروندان تهرانی پاسخگو

وضعیت اشتغال	فراوانی Frequency	درصد Percent	درصد تراکمی Cumulative Percent
شاغل	۵۰۷	۵۶,۳	۵۶,۳
دانشجو	۱۶۲	۱۸,۰	۷۴,۳
خانه‌دار	۹۲	۱۰,۲	۸۴,۶
بیکار	۷۵	۸,۳	۹۲,۹
محصل	۶۴	۷,۱	۱۰۰,۰
جمع کل	۹۰۰	۱۰۰,۰	

۲-۲. بررسی رابطه بین متغیرهای خاستگاه اجتماعی و مشارکت سیاسی

با توجه به فرضیات مطرح شده در تحقیق حاضر به بررسی و بحث درباره نتایج آن‌ها می‌پردازیم. فرضیه اصلی تحقیق: جایگاه اجتماعی بر مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی تاثیر دارد.

جدول (۴): تحلیل رگرسیون رابطه میان خاستگاه اجتماعی و مشارکت سیاسی

معناداری	B	ضریب بتا
۰,۰۰۰	.۲۴۵	۰,۱۴۳

متغیر وابسته: مشارکت سیاسی

الف) به دلیل کوچکتر بودن سطح معناداری (Sig) از مقدار خطا ($\alpha=0/05$) فرض H_0 مبنی بر عدم تاثیر جایگاه اجتماعی بر مشارکت سیاسی رد می‌شود. یعنی جایگاه اجتماعی بر مشارکت سیاسی شهروندان تاثیر دارد و همانگونه که از آمارها مشخص است این رابطه رابطه عکس می‌باشد. یعنی هر چه جایگاه اجتماعی شهروندان تهرانی بالاتر باشد، میزان مشارکت آن‌ها پایین‌تر می‌آید. این نتیجه از بررسی ۹۰۰ پرسشنامه که در سطح شهر در سه منطقه شمال، جنوب و مرکز حاصل شده است، عناصری از جایگاه اجتماعی مانند تحصیلات، درآمد، سکونت و وضعیت اشتغال را بررسی کرده و تاثیر آن‌ها را بر مشارکت سیاسی به بوته آزمایش گذاشته است. فرضیه فرعی اول: تحصیلات شهروندان سیاسی بر مشارکت سیاسی آن‌ها تاثیر دارد.

جدول (۵): تحلیل رگرسیون رابطه تحصیلات و مشارکت سیاسی

معناداری	B	ضریب بتا
۰,۰۰۰	.۴۱۶	۰,۱۲۷
		تحصیلات

متغیر وابسته: مشارکت سیاسی

ب) به دلیل کوچکتر بودن سطح معناداری (Sig) از مقدار خطا ($\alpha=0/05$) فرض H_0 مبنی بر عدم تاثیر میزان تحصیلات بر مشارکت سیاسی رد می شود. به عبارتی میزان تحصیلات کارکنان بر مشارکت سیاسی آن ها تاثیر دارد. در واقع بر اساس آمارهایی که در فصل قبل توضیح داده شد میان تحصیلات و میزان مشارکت شهروندان تهرانی رابطه‌ی عکس وجود دارد؛ بدین ترتیب میزان مشارکت در شهروندان با تحصیلات بالا پایین‌تر از میزان مشارکت شهروندان با تحصیلات پائین است. این مساله علاوه بر تایید فرضیه فرعی پژوهش مویدی بر فرضیه اصلی پژوهش که قبلاً به آن اشاره شد نیز است.

فرضیه فرعی دوم: متغیر سکونت شهروندان تهرانی بر مشارکت سیاسی آن ها تاثیر دارد.

جدول (۶): تحلیل رگرسیون رابطه میان میزان سکونت و مشارکت سیاسی

معناداری	B	ضریب بتا
۰,۰۰۰	-.۱۵۱	-.۶۷۷
		سکونت

متغیر وابسته: مشارکت سیاسی

پ) نتایج تحلیل رگرسیون برای آزمون فرضیه اصلی در جدول ذیل، معنادار بودن رابطه میان سکونت و مشارکت سیاسی را تایید می کند. از آنجائیکه مقدار ضریب بتا در سطح معناداری $\alpha=0.05$ معنادار است؛ بنابراین فرض آماری صفر به علت کوچک بودن Sig برای متغیر سکونت کمتر از سطح معناداری است، رد می شود، در نتیجه می توان گفت سکونت بر مشارکت سیاسی موثر است. این فرضیه با وجود فرعی بودن، یکی از مهم‌ترین فرضیات این پژوهش است که اثبات کننده رابطه‌ی معکوس جایگاه اجتماعی و مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی است. منفی شدن ضریب بتا و بتا در آمارهای مربوط به این سنجش، میزان معنادار رابطه‌ی معکوس میان این دو متغیر را تایید می کند که نشان از تناقض حاصل از نوع مشارکت شهروندان تهرانی در فعالیت‌های سیاسی دارد.

ارتباط خاستگاه اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی در ...
 فرضیه فرعی سوم: متغیر وضعیت اقتصادی خانواده شهروندان تهرانی بر مشارکت سیاسی آنان
 تاثیر دارد.

جدول (۷): تحلیل رگرسیون رابطه میان میزان مشارکت و همکاری و مشارکت سیاسی

معناداری	B	ضریب بتا	
۰,۰۰۰	-۰,۰۵۹	-۰,۰۱۴	وضعیت اقتصادی خانواده شهروندان تهرانی

متغیر وابسته: مشارکت سیاسی

ت) از آنجائی که مقدار ضریب بتا در سطح معناداری $\alpha=0.05$ معنادار است بنابراین فرض آماری صفر به علت کوچک بودن Sig برای متغیر وضعیت اقتصادی خانواده شهروندان تهرانی کمتر از سطح معنادارای است، رد می شود، در نتیجه می توان گفت وضعیت اقتصادی خانواده شهروندان تهرانی بر مشارکت سیاسی موثر است. همان طور که در آمارهای استخراج شده از سیستم آماری SPSS در این تحقیق آنرا ثابت می کند میان وضعیت اقتصادی و میزان مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی نیز رابطه ی عکس وجود دارد. منفی شدن ضریب بتا و بتا در آمارهای مربوط به این سنجش، میزان معنادار رابطه ی معکوس میان این دو متغیر را تایید می کند. فرضیه فرعی چهارم: درآمد بر مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی تاثیر دارد.

جدول (۸): تحلیل رگرسیون رابطه میان میزان مشارکت و همکاری و مشارکت سیاسی

معناداری	B	ضریب بتا	
۰,۰۰۰	.۶۴۱	۰,۲۰۴	خاستگاه اجتماعی

متغیر وابسته: مشارکت سیاسی

ح) نتایج تحلیل رگرسیون برای آزمون فرضیه اصلی در جدول بالا، معنادار بودن رابطه میان درآمد و مشارکت سیاسی را تائید می کند. از آنجائیکه مقدار ضریب بتا در سطح معناداری $\alpha=0.05$ معنادار است بنابراین فرض آماری صفر به علت کوچک بودن Sig برای متغیر درآمد کمتر از سطح معنادارای است، رد می شود، در نتیجه می توان گفت درآمد بر مشارکت سیاسی موثر است.

نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق نشان داده است جایگاه اجتماعی شهروندان تهرانی بر مشارکت سیاسی آنان تاثیر نسبتاً معکوسی دارد. این نتیجه با نتیجه تحقیق سیدامامی و همکاران (۱۳۸۸) نیز سازگار است که در آن تاثیر برخی از مهم‌ترین «منابع اجتماعی» و «عوامل انگیزشی» بر مشارکت شهروندان تهرانی در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی بررسی کرده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که در جمعیت مورد مطالعه در تهران، انگیزه‌هایی چون تقویت انسجام ملی، پیروی از مقام معظم رهبری، حمایت از نظام جمهوری اسلامی ایران و احساس تکلیف شرعی، رابطه معناداری با مشارکت انتخاباتی دارند. به عبارت دیگر، پاسخ دهندگانی که در بیشتر انتخابات رای داده‌اند، انگیزه‌های مذکور را مهم‌ترین دلایل شرکت ذکر کرده‌اند. در تحقیق حاضر نیز این انگیزه‌ها عامل اصلی شرکت در انتخابات در طبقات پائین بوده است که مشارکت بیشتری در انتخابات داشته است.

بررسی یافته‌های پژوهش از نظر آزمون فرضیات ما را به نتایج جالبی رسانید. این تحلیل‌ها نشان داد که تاثیر جایگاه اجتماعی بسته به نوع جوامع می‌تواند متفاوت باشد و همه جوامع از الگوی غربی دارا بودن رابطه‌ی مستقیم میان مشارکت سیاسی و جایگاه اجتماعی پیروی نمی‌کنند.

پیشنهاداتی با توجه به موضوع تحقیق

۱. با توجه به تحقیق انجام شده آنچه ضرورت دارد اهتمام بیشتری در راستای جذب حداکثری دیگر شهروندان تهرانی که دارای انگیزه‌های رفاه‌طلبانه برای مشارکت سیاسی هستند فراهم شود.

۲. مسؤولان محترم کشوری با در نظر گرفتن نتایج این تحقیق یا تحقیقات جامع‌تری که مطمئناً در آینده انجام خواهد گرفت، زمینه لازم را برای مشارکت هر چه بیشتر همه اقشار جامعه در انتخابات فراهم کند و توقع حمایت و تبعیت بی‌چون و چرای کمتری داشته باشد تا شاهد شکوفایی بیشتری در همه عرصه‌های سیاسی و اجتماعی باشیم که مسلماً بدون حضور و مشارکت شهروندان از همه اقشار جامعه، هیچ‌گاه زمینه آن فراهم نخواهد شد.

ارتباط خاستگاه اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی در ...

محدودیت های تحقیق

۱. با توجه به این که تحقیق حاضر در بین شهروندان تهرانی انجام شده است، لذا صرفاً در همین قلمرو سازمانی قابلیت تعمیم دارد و نمی توان آن را به کل کشور تعمیم داد.
۲. هیچ تضمینی برای مبری بودن نتایج از تعصبات فردی و سوگیری های پاسخ دهندگان به سوالات پرسشنامه وجود ندارد.
۳. محدود بودن تحقیقات مشابه انجام شده در زمینه رابطه میان جایگاه اجتماعی و مشارکت سیاسی به طور همزمان در ایران.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- ابوالحسنی، سیدرحیم (۱۳۷۹). « ضرورت مفهوم سازی مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی»، *مجله علوم سیاسی*، شماره ۸، بهار، صص ۲-۴.
- اسماعیلی، کوروش (۱۳۸۰). «مشارکت سیاسی»، *فصلنامه تدبیر*، شماره ۱۱۲.
- آقابخش، علی (۱۳۷۵). *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- آلبرو، مارتین (۱۳۸۰). *مقدمات جامعه شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴). *سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه*، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه.
- تاج‌مزیانی، علی‌اکبر (۱۳۸۲). «مشارکت سیاسی جوانان: ابعاد و پویایی‌ها»، *فصلنامه مطالعات جوانان*، شماره ۵، زمستان، صص ۱۵۶-۱۲۳.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۷۸). *مشارکت سیاسی، احزاب و انتخابات*، تهران: انتشارات سفیر.
- جوادی، حسین (۱۳۸۷). «کنکاشی در دموکراسی و مشارکت سیاسی»، *فصلنامه سیاست*، شماره ۳، پاییز، صص ۳۷-۱۹.
- چلیپی، مسعود (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی نظم*، تهران: نشر نی.
- خاکی، غلامرضا (۱۳۷۹). *روش تحقیق در علوم رفتاری*، تهران: مرکز انتشارات علمی.
- راش، مایکل (۱۳۸۷). *جامعه و سیاست*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت.
- ربیعی، علی (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی تحولات ارزشی: نگاهی به رفتارشناسی رأی‌دهندگان در دوم خرداد ۱۳۷۶*، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه.

فصلنامه مطالعات سیاسی؛ سال نهم، شماره ۳۳، پاییز ۱۳۹۵

رنی، آستین (۱۳۷۴). **حکومت: آشنایی با علم سیاست**، ترجمه لیلا سازگار، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

سیدامامی، کاووس، عبدالله، عبدالمطلب (۱۳۸۸). «عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در انتخابات ریاست‌جمهوری و مجلس؛ مطالعه موردی شهر تهران»، **پژوهشنامه علوم سیاسی**، سال چهارم، شماره ۴، پاییز، صص ۱۴۶-۱۰۹.

سیدامامی، کاووس (۱۳۸۶). «مشارکت سیاسی دانشجویان: ارزیابی برخی از پیش‌بینی‌کننده‌های مشارکت سیاسی»، **پژوهشنامه علوم سیاسی**، سال دوم، شماره ۱، بهار، صص ۵۲-۳۳.

عزیزی ابر قوی، رقیه (۱۳۸۴). رابطه بین مشارکت سیاسی و عملکرد شغلی دبیران تربیت بدنی شهرستان اهواز، **پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد**. (چاپ نشده)، خوزستان: دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوزستان.

فیض‌الله، علی (۱۳۸۰). «مشارکت سیاسی جوانان: تبیین جامعه‌شناختی و موانع ساختاری آن»، **فرهنگ ایلام**، شماره ۵.

کلمن، جیمز (۱۳۷۷). **بنیادهای نظریه اجتماعی**، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات نشر نی.

مجیدی، عبدالله (۱۳۷۶). **تأثیر جایجایی و مشارکت سیاسی و رضایت شغلی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد** (چاپ نشده)، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

مدنی، حسین؛ زاهدی، محمدجواد (بهار ۱۳۸۴). «تعیین اولویت عوامل موثر بر مشارکت سیاسی کارکنان»، **مجله جامعه‌شناسی ایران**، بهار، صص ۳۳-۳.

میلبرث، لستر و گوئل، لیل (۱۳۸۶). **مشارکت سیاسی**، ترجمه سیدرحیم ابوالحسنی، تهران: انتشارات میزان.

هانتینگتون، ساموئل و واینر، مایرون (۱۳۷۹). **درک توسعه سیاسی**، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

ب) منابع انگلیسی

- Mayer, R.C., & Schoorman, F.D. (1992). "Predicting Participation and Production Outcomes through a Two-dimensional Model of Organizational Commitment", **Academy of Management Journal**, 35(3): 671-684.
- Norris, Pippa (2002). "Political Activism: New Challenges, New Opportunities" in Charles Boix and Susan C. Stokes (eds.), **The Oxford Handbook of Comparative Politics**, New York, Oxford University Press.
- Finkel, Steven (1987), "The Effects of Participation on Political Efficacy and Political Support: Evidence from a West German Panel", **Journal of Politics**, 40: 2.